

دیوان

# احمد بیگ گوماسی

با مقدمه و مقابله و شرح حال شاعر  
بائنضمام فرهنگ لغات

باهتمام

محمد علی سلطانی

تهران - ۱۳۸۴

کوماسی، احمدبیگ بن عبدالله بیگ، قرن ۱۳ ق. دیوان  
احمدبیگ کوماسی: با مقدمه و مقابله و شرح حال شاعر بانضمام  
فرهنگ لغات / باهتمام محمدعلی سلطانی - تهران: مؤسسه  
فرهنگی نشر شه، ۱۳۸۴، [۷۵] ص.

ISBN 964-6254-34-9: ۱۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیها.

Poetical works Ahmad Beig: ص.ع. به انگلیسی  
Koması: inciuding: introduction, comparison,  
Poet biography and dictionary.

کتابنامه: ص. ۶۲ - ۶۳.

۱. شعر کردی - قرن ۱۳ ق.

الف. سلطانی، محمدعلی، ۱۳۳۶، گردآورنده.

ب. عنوان.

ک ۱۹۴۳ الف / PIR ۳۲۵۶

۱۳۷۸

د ۸۵۸ ک

۲۱ / ۹ فا ۸

۱۶۹۱۱ - ۷۸ م

کتابخانه ملی ایران

دیوان احمدبیگ کوماسی

به اهتمام: محمدعلی سلطانی

حروفچینی، لیلا جمفری / چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴

چاپخانه: دیدآور / لیتوگرافی: طیفنگار / تیراژ: ۲۰۰۰

شابک: ۹-۳۴-۶۲۵۴-۹۶۴

964-6254-34-9

ناشر: مؤسسه فرهنگی نشر شه

تهران - امیرآباد شمالی - تلفاکس ۸۸۰۰۵۵۷۳

(حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است)

## پیشگاتار

سند حیات و شاهد پیشینه اقوام و ملت‌های دیرینه سال دنیا ادبیات و فرهنگ استوار و شاهکارهای پرداخته و نشأت گرفته از اندیشه پویای چهره‌های برجسته آنهاست که بر بال ذهن پویا مرزهای را می‌نوردد و سیمای تمام‌نمای ادب جامعه و میهن خویش را در تجزیه و تحلیل محققین دوران‌دیش به جهانیان می‌نمایاند، اثر (گلکوی تازه لیل) از احمد بیگ کوماسی شاعر برجسته‌گرد، در عصر قاجاریه از آن گونه‌های ادبی است که قریب یکصد سال است مورد توجه و پژوهش مستشرقین در اروپا و آسیا قرار گرفته است و هر جا سخنی از ادبیات‌گردی هست به استناد این پژوهاک فراگیر نام و یاد احمد بیگ چهره می‌نماید، اگرچه در پی نقد بررسی‌ها نیستیم زیرا همین که با زبانی غیرایرانی و با ملیتی بیگانه به این مهم پرداخته و الحق به نحو احسن از عهده برآمده‌اند، همشان را پاس می‌داریم و سپاس می‌گوییم و ترجمه آن را

زینت کلام آغازین می‌نمائیم. در تحلیل و بررسی جالب و زیباشناسی این اثر مینورسکی می‌نویسد: (در سال ۱۹۱۷ دوستم دکتر سعید خان کردستانی متن مرثیه‌ای را که به وسیله احمد خان کوماسی نوشته شده بود [سروده شده بود]. به من داد و این متن مشکل را برایم توضیح [داد]. ... ما باید فرض کنیم که احمد خان کوماسی اصرار داشت که شعرهایی به زبان Koîny خوانده شود. بنابراین طریقه‌ای که دکتر سعید خان اشعار او را می‌خواند و تفسیر می‌کرد را به سختی می‌توان ثابت کرد. روزی ممکن است طریقه نوشتن فوتیک به کمک گرفته شود و اگر امکان داشته باشد در بین کوماسی‌ها چنین علائم فوتیکی ممکن است به وجود آید. ما به مرثیه او به عنوان دست یافته‌ای ادبی نظر می‌اندازیم و به این دلیل باریک‌بینی‌های تلفظ فردی در اولویت دوم قرار می‌گیرد. اطلاعات زیادی از نویسنده [سراینده] مرثیه وجود ندارد بجز این که او متعلق به ایل کوماسی بود. منطقه (کوره وَز) که کوماسی‌ها تأسیس کردند، شامل بیست روستا با جمعیتی برابر با ۲۵۰۰۰ نفر. این منطقه در استان سنه (کردستان) در سر راه جاده‌ای که این شهر را به میوان وصل می‌کند و در سمت چپ رودخانه اورامان تخت قرار گرفته است. این منطقه Terra incohita می‌باشد و ما نمی‌توانیم حدس بزنیم که لهجه گورانی در آنجا صحبت می‌شود یا خیر. بیشتر احتمال می‌رود که احمد خان چون این لهجه را شعرای اردلان استفاده می‌کردند؛ به کار برده باشد. [گوش اورامی، گوش ادبی سراسر مناطق غربی از جنوب آذربایجان تا حوالی شوشتر و دزفول بوده است. م.س.]

این مرثیه با تمام تازگیش اثر شاعرانه‌ای دارد، ظاهراً شبیه آثار گورانی است. هر کدام از ابیات شامل دو مصرع آهنگین است و هر کدام از ده سیلاب به وسیله Crsura به دو گروه، پنج سیلابی تقسیم می‌شود. این غزل با توجه

به طول آن بسیار سیلابیک است. اولین مصرع شعر ناقص است یعنی شامل فقط نیمه دوم مصرع است. مثل این که فقط آهنگ شعر و موضوع آن را بیان می‌کند؛ این الگو در تمام اشعار گورانی از قبیل اشعار حماسی، بزمی یا مذهبی رایج است.

شکل شعر خیلی واضح است: احمدخان مقبره همسرش را تعمیر می‌کند (اشعار ۳-۱) و به این وسیله غم و غصه خود را بیان می‌کند. (اشعار ۴-۱۹) در او هیجان به خاطر کسی که دوست دارد و حالا در تاریکی و سرما آرمیده است شدت می‌گیرد. (اشعار ۲۰-۲۴) او موها و چشم‌های آهووش او را به خاطر می‌آورد. چرا یار او را ترک کرده است؟ (اشعار ۲۵-۳۲) سکوت. چرا او جواب نمی‌دهد؟ شاید عشقش نسبت به او به پایان رسیده است؟ (اشعار ۳۳-۳۹) سپس صدایی شنیده می‌شود: گور از جواب دادن اسیر خود جلوگیری می‌کند. عاشق هیچ تغییری در سرنوشت نمی‌تواند بدهد (اشعار ۴۰-۴۹) به هیچ نوع فرار نمی‌توان کرد عاشق باید به نزد معشوق برود (اشعار ۵۰-۵۲) شاید اما احمد تا آخرین لحظات زندگی به زاری به خاطر زیبایش ادامه می‌دهد. (شعر ۵۳)

چندین تصویر از مرثیه متعلق به دوران اسلامی است. نام همسر جدا شده لیلا است که به خاطر شاعر اسم مجنون می‌آید. [ر.ک به فرهنگ لغات واژه لیل] او در آتش جدایی همچون ققنوس می‌سوزد. او معشوق خود را «درخت سرو رونده» می‌نامد. اما جدا از این تعارفات او آزادانه در قلمرو ادبیات گورانی [گردش می‌کند]، تأثیر مرگ حتی سنت شاعران ایرانی کلاسیک را هم نسبت می‌کند؛ این موضوع شایستگی توجه خاص است ولی به خاطر آوردن مثال‌های مشهورتر برای شناخت اصلیت شاعر میانه‌رو کوماسی کافی خواهد بود. - [فردوسی] در مرثیه‌ای که به خاطر یادبود پسرش سروده است تأثیر

شعرهای فردوسی او را به نور مطلق می‌رساند در آنجا جایی برای این پدر مهیا شده است؛ فردوسی با شعر حماسی خود خدا را ستایش می‌کند که گناهان جوان را می‌بخشد و به او لباس عاقبت می‌پوشاند.

خاقانی پسر یک مادر مسیحی بود و سه شعر برای همسر از دست رفته‌اش سروده است یکی از آنها طولانی و سرد است ولی آن دو شعر دیگر ساده و احساساتی می‌باشند؛ شعری برای روزهای تنهایی خود و همسر مرده‌اش می‌گوید؛ اگر روزهایم باید با غم و غصه به خاطر تو بگذرند، پس بگذار این غم و غصه را سنگین به حساب نیاورم. در شعر دیگر او ناله و زاری می‌کند و همسرش را «وفاپرور و دیار» و معتمد و نگهدار رازدار افکار می‌نامد.

... چنین نظریه‌ای درباره شعر دیگر خاقانی که در سوگ فرزندش سروده است صادق نمی‌باشد؛ هیچ احساسی شدیدتر از یأس واقعی نمی‌باشد. سوگواری امیر خسرو دهلوی برای مادرش به وسیله ماهیت موضوع ملایم‌تر می‌شود. غم و غصه انسان در تسلیم او به مقدرات آرام می‌گیرد و سرنوشت چیزی آشناست.

رباعی حافظ که بهاریه نامیده می‌شود [؟] و مرثیه می‌باشد در هارمونی (هماهنگی) احساسات عمیق و هنر بی‌نظیر است. معلم پیر من [مینورسکی] اف، ای، گرش (۱۹۱۵ - ۱۸۳۳ م) سعی می‌کرد آن را با شعر یونانی ... مقایسه کند.

بعد از این مثال‌ها ارزش نهادن به نوحه‌های بی‌صنعت زاگرس ساده‌تر خواهد بود. احساسات شاعر ساده ولی قوی می‌باشد، هیچ نوع صنعت و یا رمز و راز آنها را گنگ و نامفهوم نمی‌سازد. درست مانند ناباوری که در ارتباط مستقیم با طبیعت باشد، احمد خان سردی قبر لایلا را بیان می‌کند. به زور

ناباوری‌ها را کاری باور داشتن عبث است ولی غم فقدان مانند زخمی که شاعر در یک جنگ واقعی برداشته است؛ از درد آن می‌سوزد و شعر با تسلیم تمام نمی‌شود، این شعر در کردستان بسیار مشهورتر است. بندیکستن شعر را در اورامان به دست آورد.

[به وسیله آ- کریستنسن چاپ شده «لهجه‌های اورامان پاه»]

Det - Kgl - Danske

Vldon skabernes selskab his filol medd - vi

[صفحه ۱۱۲ - ۱۹۲۱ - ۲]

یک نسخه از این شعر به زبان کُردی در استانبول چاپ شد. [انجمن ادبیات کُرد چاپ به وسیله کلنل امین فیضی، سلیمانی، استانبول ۱۳۹۹/۱۹۲۰، صفحات ۹، ۱۰۵، ... ناشر توضیح می‌دهد که زبان شعر کُردی ایران است؛ خواندنش مشکل است ولی نویسنده توانایی زیادی در نشان دادن زندگی دارد.] متن کامل آن در تهران به وسیله دکتر سعید خان لیتوگرافی شد و علائمی هم به آن افزوده تا خواندنش آسان شود (گوران و یاران - مینورسکی).

با این تحلیل و بررسی ارزشمند و شأن و مقامی چنین ارجمند در عرصه فرهنگ و ادبیات کُردی، دریغ آمد که احمدبیگ کوماسی صاحب دفتر و دیوانی نباشد، با تمام مشغله‌ها و گرفتاری قدم در راه نهادم و آنچه به نام او در دست‌نوشته‌ها و مآخذ یافتیم پس از مقابله و سنجش‌های لازم برگزیدیم و این دست‌یافته‌ها حاصل بررسی و مقابله و تطبیق ده‌ها بیاض و دفتر دست‌نوشته است که در منابع ادبی سرگردان منطقه کرمانشاهان و کردستان در جستجوی وصال و وحدت و بازیافتن روزگار وصل بوده‌اند، در اینجا لازم بود تا در کنار آثار، احوال شاعر را نیز قلم زنیم اگر چه به قول مینورسکی نشانی از او در

دست نیست و تمامی منابع تنها به ثبت نام او بسنده کرده اند، اما امید است این ارائه سرآغازی باشد برای هر چه بیشتر و بهتر شناختن این بزرگمرد و شاعر برجسته گردد در عصر قاجاریه.

### احمد بیگ کوماسی و آثارش

احمد بیگ فرزند مرحوم عبداله بیگ از سران ایل کوماسی در محال «کرهوز» از نواحی «سنه دژ»، در مورد تاریخ حیات و زندگی او در این مطلب که معاصر و معاشر ملا عبدالرحیم مولوی تایجوزی (۱۳۰۰ - ۱۳۲۱) بوده است، شکی نیست اما در مدت عمر و تاریخ تولد و فوت او روایت مختلف است، علامه الدین سجادی در فصل «باخی شاعران» ردیف ۵۴۱ می نویسد: مقارن سالهای ۱۸۷۶ - ۱۲۹۳ میلادی = [۱۲۱۰ - ۱۲۹۳ ق.ه] می زیسته و بهاء الدین صاحب که شاید از همین مأخذ استفاده نموده در باب «ویژه» همین تاریخ را قید کرده و محل تولد او را «به رده سپی» نوشته است و اما آقای صابریک فرزند مرحوم فرج اله بیگ زنوری به نقل از آقای فرج اله بیگ «ونینه» از معمرین و عشایر کوماسی که از اعقاب آن مرحوم هستند گفته اند: که در قریه پیر خضران متولد و در سن ۴۵ سالگی در همانجا متوفی گردیده و مادرش «بانو پریزاد» نام داشته، در اینجا لازم می دانم بگویم که حقیر پس از مدتها تلاش از بازماندگان احمد بیگ که ماهها سبب انتظار من بودند و وقفه در انجام این امر را هم فراهم آوردند پس از امروز و فرداهای فراوان عاقبت توسط آقای شیخ محمد سراج الدینی منحصرأ روایت فوق را بدست آوردم که آن هم با توجه به مأخذ فوق و مطالب دیوان درباره حیات شاعر اشتباه می باشد؛ زیرا مولوی در سن هفتاد و نه سالگی وفات یافته و احمد بیگ بعد از مرگ مولوی چند سالی در قید حیات بوده است برای نمونه



در اثر مندرج در صفحه (۳۹) همین دیوان که بیتی از مولوی را پس از مرگ او تضمین نموده می‌گوید:

فردی مولوی و رحمت شادبو      آما و یادم رتبه‌ش زیاد بو  
مسپاروت و جوش کزه تا سه ویم      و دود کباب بوی هناسه ویم  
... الخ

احمدیگ نظر به مکاتباتش با مولوی و جوابهای مولوی برای او برخلاف آنچه می‌گویند و از آثارش برمی‌آید سواد کافی داشته و در علوم ادبی آگاه و در مسائل فنی مسلط بوده است و در آثار جاویدان ادب پارسی چون کلیات شیخ و غزلیات خواجه و آثار نظامی مطالعه و سیر کامل داشته، برای نمونه مضامینی را که از کلیات شیخ اجل و خسروشیرین نظامی گرفته است، می‌آورم:

سعدی:

بوقت صبح قیامت چو سر ز خاک درآرم  
بگفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم

احمدیگ:

پی توجه الحدسر مارون و بر      چه بونه تووه ملون پی محشر  
نظامی:

شبا امشب جوانمردی بیاموز      مرا یا زود کُش یا زود شو روز

احمدیگ:

ای شو و سرگرد جوانمردیت بام  
یا تمامم گر یا زو بر تمام

کوماسی به علت همجواری با اورامان تخت بمقتضای کلام از کلمات آن گویش نیز استفاده کرده که معادل آن کلمات در اورامان لهون متفاوت است؛ ضمناً گویش اورامان تخت اصیل تر و شاعران توانا بیشتر در سرایش آثار خود از آن گویش استفاده کرده اند، برای مثال:

|              |   |     |      |         |
|--------------|---|-----|------|---------|
| فارسی        | ← | رفت | ریخت | صبح     |
| اورامان لهون | ← | لوا | مجیا | صوحه نه |
| اورامان تخت  | ← | شی  | ریزا | صه بای  |

استاد محمد تقی بهار (ملک الشعراء) در مبحث شعرشناسی و شعر در ایران از اثر جاودانه احمد بیگ بنام گلکوی تازه لیس یاد میکند و از آن به عنوان یکی از شاهکارهای ادب گردی نام می برد و دو بیت از مطلع آن را ترجمه فرموده اند و عنوان گلکوی تازه لیل را به اشتباه گلکوی تازه گور لیلی نوشته اند زیرا همانطور که در ترجمه ابیات مرقوم فرموده اند «گلکو» مقصود مزار و گور است نه گلها، ضمناً مصاربع نخست مطلع را در اشعار گردی اصولاً پنج هجایی می آورند و با تکرار آن توازن را در مصرع اول برقرار می سازند و چون اصولاً آشنایان به ادبیات گردی به این امر واقفند حتی در تحریر از تکرار پنج هجای مکرر خودداری مینمایند که نمونه های بسیاری در دیوان وجود دارد ولی در شعرشناسی مصرع دوم و بیت پیرو را آورده و از قید مصرع اول به هر صورت خودداری فرموده اند در همین قسمت استاد که از شعرای گرد نام

برده‌اند؛ صیدی را به قبیله کوماسی منتسب نموده<sup>(۱)</sup> در صورتیکه؛ سیدمحمد فرزند حاج سیدمحمود از اهالی خانگاه از توابع پاوه، «۱۲۶۵ - ۱۲۰۰» که شرح حال و نمونه آثارش را مفصلاً در حدیقه سلطانی آورده‌ام و دو بیت معروف در صنعت ملمع اورامی، عربی که در زیر آمده است، از اوست:

گه رسه راسر زیلو من گیلش پونه

غیر و حبک فی فوادی لیس شی

شیخ و پیر، مه‌لا و میرگرد عاشقو

ما علیهم لومه الاعلی<sup>(۲)</sup>

و بیتی را که بزبان فارسی به عنوان شاهد بر سرایش اشعار دهجایی در سایر نقاط ایران آورده‌اند ترجمه نارسای بیتی از ترانه‌های دلگیر و زیبای کردی است که هر دو را عیناً نقل می‌نمایم.<sup>(۳)</sup>

### ترانه کردی اورامی

وینهٔ اسککهٔ روله گم کرده پی تو مگیلو هر ده و هر ده

### ترانه فارسی

می‌خواهم بگردم دره به دره مانند آهو، گم کردم بره

۱. بهار و ادب پارسی، صفحه ۹۹، ۹۸، محمدگلین

۲. مقدمه دیوان صیدی اورامی، محمدامین کاردوخی

۳. بهار و ادب پارسی، صفحه ۹۹، ۹۸، محمدگلین

در خاتمه لازم می‌دانم از عنایات بزرگواران گرامی وجود و عزیزان شایان درود؛ حضرات آقایان انور سلطانی، شکراله بابان، رشید شیخ‌الاسلامی<sup>(۱)</sup> شیخ محمد سراج‌الدینی و سایر محبان ارجمندی که اثر یا آثاری را بهر نحو در اختیار نهاده‌اند؛ سپاسگزاری نمایم.

محمدعلی سلطانی

تهران - ۱۳۷۸

۱. قبل از چاپ و نشر دیوان احمدبیگ کوماسی دوست هنرمند و ادیب و حساسم سیدمحمد رشید شیخ‌الاسلامی کردستانی (۱۳۲۰ - ۱۳۷۸ ه.ش) به سرای باقی شتافت، شادروان شیخ‌الاسلامی در خاندان اهل فضل و هنر دیده به جهان گشود، پدرش مرحوم آقاسیدمحسن شیخ‌الاسلامی از اخیار روزگار و در تقوی و اخلاق کم‌نظیر بود، رشید پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی در مدارس متوسطه سنندج به تدریس پرداخت، در خوشنویسی از محضر استادان اکابر چون استاد علی‌اکبر کاوه و... مستفید گردید و خطوط اربعه به ویژه نستعلیق را به خوبی تمام می‌نوشت و در تشخیص راز و رمز فنی هنر خوشنویسی صاحب نظر بود، مزارش در بهشت محمدی گورستان شهر سنندج گذار ریاحین بهاری باد و خداوندش به بهشت جاویدان شادگرداند، بمنه و کرمه.